



یادداشت

نه به جنگ و تجاوز، آری به صلح و آزادصادق

صادق کار



در گزارش نشریه ارگان اتحادیه کارکنان بخش خدمات و اداری نروژ نوشته بودند، کنفدراسیون اتحادیه های کارگری روسیه در جنگ اکراین جانب دولت روسیه را گرفته و کنفدراسیون نروژ جانب اکراین را گرفته اند. تفرقه بر سر حمله روسیه به اکراین تا جایی که من اطلاع پیدا کردم در اتحادیه های بسیاری از کشورها نیز بوجود آمده است. این خبرها من را به یاد موضعگیری انترناسیونال دوم در جنگ جهانی که منجر به شکاف و انشعاب در جنبش جهانی کارگری شد انداخت. اکثریت رهبران انترناسیونال دوم به حمایت از کشورهایشان در جنگ اول که جنگی امپریالیستی بین قدرتهای بزرگ جهانی بر سر تقسیم جهان و یا در واقع باز تقسیم جهان و مستعمرات بود انداخت. گروهی از رهبران و در راس آنان لنین بکلی و به درستی با حمایت انترناسیونال از جنگ و دعوت از کارگران به شرکت در جنگ مخالفت کردند و در موضع گیری جداگانه ای از کارگران خواستند از شرکت در جنگ خوداری کنند و لوله تفنگ هایشان را بجای گرفتن به سوی همدیگر به سوی حاکمان جنگ طلب و استعمارو استثمارگر کشورهای شان نشانه برونند.

اکنون اما این شعار زمینه چندانی ندارد و کمتر حزبی را می شود سراغ گرفت که چنین شعاری را بخواهد طرح کند. کما اینکه تعدادی از احزاب چپ و اتحادیه های کارگری نیز هم اکنون تلویحا به جای دمیدن بر شیپور صلح به صراحت جانب یکی از طرفین جنگ را گرفته اند و داستان انترناسیونال دوم را در اذهان تکرار و تداعی می کنند.

آلترناتیو جنگ صلح و حل مناقشه از طریق مذاکره و احترام به حق حاکمیت ملل بر سرزمین شان است. راه حل پایدار و عادلانه دیگری وجود ندارد. بهمین جهت کارگران روسی، اوکراینی، اروپایی و آمریکایی و بقیه کشورهای جهان نیرویی هستند که بایستی پرچم صلح را در کشورهای خود برافرازند و بجای موضعگیری



له یا علیه یکی از طرفین این جنگ که جز بدبختی و فقر و دشمنی بی جهت و زیانبار برایشان ندارد، علیه این جنگ و برای پایان دادن به آن و برقراری صلح وارد عمل شوند. بگذار فریاد نه به جنگ و تجاوز، آری به صلح و آزادی در روز جهانی همبستگی کارگران در سراسر جهان طنین انداز شود.

جنگ اوکراین یا درست تر گفته باشیم جنگ ناتو و روسیه که با تجاوز روسیه به اوکراین شدت پیدا کرد موجی از کشتار ویرانی و مهاجرت را در اوکراین و خشونت و نفرت و تفرقه را میان مردم دوکشور با خود به همراه آورده است. دامنه کشتار و ویرانی ها گرچه هنوز از مرزهای اوکراین فرا تر نرفته است اما نفاق و دشمنی را در سراسر عالم بین خلق ها دامن زده است.

از زمان جنگ دوم جهانی تا کنون آتش جنگهای بسیار مخرب و پرتلفاتی در بسیاری از کشورها توسط کشورهای بزرگ و امپریالیستی یا به تحریک آنها در نقاط مختلف جهان بر افروخته و شعله ور شده اند. جنگ های به مراتب بزرگتر و خونبارتر از جنگ اوکراین. جنگ کره، جنگ ویتنام جنگ های اعراب و اسرائیل، جنگ الجزیره و فرانسه، جنگهای عراق، افغانستان، لیبی، یوگسلاوی...، اما هیچ کدام به اندازه این جنگ این همه تفرقه و نفرت و نگرانی و وحشت و جنب و جوش و حساسیت در دنیا ایجاد نکرده و جهان را این همه با خطر جنگ جهانی سوم نزدیک نکرده بودند. این در حالی است که خسارات مالی و انسانی جنگ اوکراین از همه جنگ های نامبرده هنوز بسیار کمتر و ابعاد آن کوچکتر است.

بر پا دارندگان و زمینه چینان این جنگ هم مشخص و اهداف آنان نیز روشن است. در این جنگ نیز مانند همه جنگ های گذشته حتا در جنگ هایی که یک طرف آنها نیروهای ضد استعماری بوده اند دعوای اصلی بر سر منافع اقتصادی و سلطه بر ذخایر طبیعی و مناطق ژئو پولیتیک بوده است.

حمله روسیه به اوکراین و جنگ روسیه با ناتو نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. گذشته از اینکه کدام طرف در این جنگ دست بالا را پیدا کند و برنده شوند، سهمی از نفع طرف برنده نصیب مردم عادی کشور که نمی شود هیچ بلکه تاوان خسارات جنگ و مصیبت های آن را نیز توده مردم زحمتکش بایستی تا سالها تحمل کنند. در کشور بازنده وضع مردم به مراتب رنجبارتر می شود. مردم گرچه نقش گوشت دم توپ صاحبان سرمایه و قدرت را دارند و همه جنگ ها با نام آنها برافروخته می شود اما حقوق و منافع آنان در این میان محلی از اعراب ندارد. یعنی در واقع مردم در هر صورت بازنده جنگها بوده و خواهند بود و برندگان این جنگها نیز کنسرن های تولید کننده اسلحه و شرکت های فراملی هستند.

در جنگ ایران و عراق صدها هزار نفر کشته و معلول شدند، شهرها و زیرساخت های بسیاری از هر دوکشور تخریب شدند و در طول جنگ درد و رنجهای زیادی را جنگ بر آنان تحمیل کرد و دهها سال است که مردم عادی در هر دو کشور دارند تاوان آن جنگ جنایتکارانه را با گوشت و پوست خودشان می دهند اما صاحبان و وارثان رژیم صدام و خمینی ثروتهای کشور را به انحصار خود درآورده اند. مردم عراق و ایران اما بسیار فقیرتر از قبل از جنگ شده اند. نتیجه جنگ امریکا در عراق، لیبی و افغانستان برای مردمان این کشورها نیز جز مرگ، فقر، آوارگی ویرانی و تفرقه و کینه و عقب رفتگی نداشته است. ادامه و طولانی شدن جنگ اوکراین با تحریکاتی که برای دامن زدن به آن صورت می گیرد متأسفانه محتمل است و می تواند در صورت تداوم به جاهای خطرناکی بکشد و کنترل آن از دست برود و جهان را با فاجعه بی سابقه ای روبرو بماند.

**از مبارزات کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش حقیقی
دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!**

**خواست کارگران و مزد و حقوق بگیران افزایش دستمزد متناسب با هزینه های واقعی
زندگی است!**



کارگران جهان متحد شوید! بخش پنجم

(Ronaldo Munck) رونالدو مونک



منادیان همبستگی فراملی - ادامه

تداوم این خیزش در سازماندهی فراملی الزامی نیست. حفظ این روند و تضمین موفقیت آن مستلزم بازنگری عمیق در نقش اتحادیه های کارگری است. به صراحت بگویم، تصویر رایج امروزی از جنبش اتحادیه ای که آن را "فرسوده، مردانه و کهنه" توصیف می کند، خالی از حقیقت نیست.

تعداد اعضای اتحادیه ها کاهش یافته است: چیزی کمتر از هفت درصد نیروی کار جهانی عضو یک اتحادیه است، آن هم در بخشهایی از اقتصاد که گرچه بسیاری شان از بالاترین سطح تشکل اتحادیه ای برخوردار اند، اما در حال زوال نیز هستند. بسیاری از اتحادیه های کارگری به جای سازماندهی کارگران سازمان نایافته، به ویژه آنهایی که در بخش غیررسمی یا بی ثبات کار می کنند، هنوز رویکردی تنگ ناظر بر دفاع از منافع اعضای فعلی خود دارند. به علاوه اتحادیه های کارگری بین المللی هنگام سازماندهی نیروی برای مقابله با سرمایه فراملی، اغلب این کار را به شیوه های منسوخ انجام می دهند، مثلاً هنوز می کوشند سیستم سه جانبه گرانی "شرکای اجتماعی" (کارگران، کارفرمایان و دولت)، یعنی این میراث اروپایی پس از جنگ جهانی دوم، را در سطح جهانی نهادینه کنند.

با این حال باید تصریح کرد که هیچ قانون آهنینی بر نحوه واکنش اتحادیه های کارگری نسبت به یک بحران حاکم نیست. در اثر یک بحران، ممکن است چشم اندازهای جدیدی پدیدار شوند، اتحادیه های جدیدی شکل گیرند و رهبران آینده نگر تازه نفسی پا به میدان بگذارند. اگر "کار" را یک جنبش اجتماعی بدانیم، آنگاه باززایی دائمی آن را درک خواهیم کرد. جنبش بین المللی کارگری از اواسط دهه ۱۹۹۰ به این سو، گرچه هنوز خسته و فرسوده از ویرانگریهای شب دیرپای نئولیبرالی بود، اما به آرایش و صف بندی مجدد خود برخاسته است. مبارزات این جنبش از اقدامات ناامیدانه نیروهای پشت جبهه به کمپینهای سازمانگرا، هماهنگ و فعال ارتقاء یافته اند. کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری اکنون ۲۰۷ میلیون کارگر را در ۱۶۳ کشور سازماندهی کرده است. فدراسیونهای اتحادیه های جهانی (GUF) پیشگفته تقریباً ۲۰۰ میلیون عضو در بخشهای کلیدی اقتصاد جهانی مانند معدن، فلزکاری، حمل و نقل، فولاد، ساختمان، غذا و خدمات عمومی دارند. این مجموعه اتحادیه های جهانی نشان می دهد که نیروی کار، آن چنان که برخی امیدوار بودند و برخی دیگر نگران، ناپدید نشده است. با



این حال، ساختارها به خودی خود، و به ویژه در زمانی که از کمبود مزمن منابع رنج می برند، موجد یک جنبش اجتماعی نخواهند شد.

همزمان با روندهای گفته شده، اتحادیه های کارگری ملی با تجدید سازماندهی خود در بسیاری از کشورها، به بازیگران اجتماعی و سیاسی مهمی تبدیل شده یا دارند می شوند. یکی از نمونه های امیدوارکننده را می توان در بهبود قابل توجه اتحادیه کارگران حمل و نقل و بخش عمومی اوگاندا (ATGWU) یافت، که در اثر خصوصی سازی و قوانین ضداتحادیه ای در دهه ۱۹۸۰ تقریباً از بین رفته بود. تعداد اعضای اتحادیه در سال ۲۰۰۰ به ۲۰۰۰ نفر کاهش یافت. اکنون با گذر اتحادیه به سازمان کارگران حمل و نقل غیررسمی، و با حمایت فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل، تعداد اعضای آن به بیش از ۶۰۰۰۰ نفر افزایش یافته است. این اتحادیه روندهای درونی خود را به طور قابل توجهی دموکراتیک کرده است. در اندونزی، بهبودی به ظاهر معجزه آسا نسبت به دوره سوهارتو - از اواخر دهه ۱۹۶۰ تا اواخر دهه ۱۹۹۰، زمانی که اتحادیه های این کشور از ضعیف ترین اتحادیه های آسیای جنوب شرقی بودند - رخ داده است. از سال ۲۰۰۰، آنها با دگرگون کردن مجموعه اقدامات خود به یکی از قویترینها در منطقه تبدیل شده اند: پایه گذاری ائتلافهای گسترده با سازمان های غیردولتی، همکاری با گروه های کارگری غیررسمی، و تأثیرگذاری بر سیاستهای دولت.

تجدید حیات مؤثر اتحادیه های کارگری موضوع بحث هم در محافل دانشگاهی و هم در محافل سیاسی است. درست به دلیل این که اتحادیه ها با هم فرق دارند، واکنشهایشان نسبت به جهانی شدن، به بسته شدن فضای مذاکره ملی و به کاهش عضویت نیز متفاوت است. هیچ راه یگانه ای برای پیشرفت وجود ندارد. جهتگیریهای کلیدی اقداماتی چون جذب کارگران عرصه های تازه - از جمله و به تأکید کارگران مهاجر به عنوان یک گزینه بدهی - ایجاد ائتلاف با سایر جنبشهای اجتماعی، و تشدید اقدامات همبستگی بین المللی را شامل می شود. اتحادیه های کارگری در همه جا (اگرچه نه همه آنها) دوباره به مردم خود روی می آورند، ارتباطات خود را بهبود می بخشند و به جای نگاه به درون، به بیرون می نگرند. جنبش اتحادیه های کارگری به عنوان بخشی از یک مبارزه عمومی برای دموکراسی آغاز شد و امروزه اصول جنبش جهانی عدالتخواهی می تواند همان معنایی را داشته باشد که شعارهای انقلاب فرانسه در روزگار خود داشت.

جنبش بین المللی اتحادیه ای، هم یک جنبش اجتماعی فراملی در حال شکل گیری است و هم یک سازمان نمایندگی کارگران در میدان مشخص مبارزه. ساختارهای دموکراتیک این جنبش، تمرکز آن بر دنیای کار، و طبیعت "عضوبینان" اش، موجب تمایز آن از سازمانهای غیردولتی است که در زمینه برابری جنسیتی، حقوق بشر، یا حفاظت از محیط زیست مبارزه می کنند. با قاطعیت نسبی می توان گفت که جنبش کارگری برای مدتی طولانی باقی خواهد ماند، زیرا نمایندگی جمعی کارگران، طبعاً با تکامل اشکال سازمانی آن، ضرورتی فعلاً پایدار است. و این در حالی است که بسیاری از گروه های مدافع زودگذر اند.

با این اوصاف، جنبش کارگری از جنبشهای اجتماعی و سازمانهای غیردولتی خویشاوند بسیار آموخته است و به میزان فزاینده ای در حال پیوستن به جنبش گسترده "جهانی شدن بدیل" است. جنبش اتحادیه های کارگری بین المللی مطمئناً انگیزه "جهانی شدن" را دارد (حتی اگر فقط برای بقا باشد)، و از این ظرفیت نیز برخوردار است. این جنبش می تواند و می خواهد نقشی مرکزی و فزاینده در دستیابی به درجاتی از نظم اجتماعی در گستره جهانی سرمایه داری در دهه های آینده ایفا کند. در واقع باید هم که چنین کند.

در مراحل شکل گیری جنبش کارگری، اتحادیه ها فعالانه به مسائل سیاسی گسترده تر آن روز، به ویژه فراخوان برای حق رأی همگانی پرداختند. دلیلی وجود ندارد که این دست نگرانیهای بزرگتر نتوانند دوباره در دستور کار جنبش کارگری قرار گیرند، و دلیل بسیار خوبی وجود دارد - همانا درهم آمیزی دلایل اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی - که آن نگرانیها ستون فقرات جنبش را تشکیل دهند. سازماندهندگان پیشاهنگ جنبش کارگری، برخلاف اتحادیه گرائی پیش ورانه، که بعداً پا گرفت، تقسیم بندیهای مبتنی بر مهارت یا نژاد را به رسمیت نمی شناختند. این سنت سازماندهی کارگری که به عنوان اتحادیه گرایی اجتماعی، "سازماندهی عمقی" یا "اتحادیه گرایی جنبش اجتماعی" شناخته می شود، در حال بازگشت است. گسترش آن می تواند فصل جدیدی را در مبارزه مداوم کارگری علیه سرمایه داری بگشاید.

از مبارزه و مطالبات معلمان و فرهنگیان حمایت کنیم!

اعتصاب و تشکل جزء حقوق بدیعی کارگران و مزد و حقوق بگیران است!



جنبش کارگری از پارسال تا امسال

صادق



چاره کار زحمتکشان همبستگی، تشکل و اعتصاب است

اعتراضات کارگری بلافاصله از همان نخستین روزهای پایان تعطیلات نوروزی امسال شروع شد. گسترش اعتراضات البته به هیچ وجه دور از انتظار نبود. ما چندین بار قبل از پایان سال گذشته آنرا پیشبینی کرده و بر تشدید اعتراضات نظر به مجموع وضعیت حاکم بر کشور، خاصه فقر و گرانی فزاینده و مخرب بودن برنامه های کج و معوج دولت یا بقول خودشان حکومت یکدست تاکید کرده بودیم.

بدتر شدن وضعیت مردم هرگز آرزوی ما نبوده و نیست. سمت تلاشهای ما همواره برای رفاه و آسایش زحمتکشان و بهبود حق و حقوق آنان و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی و رفع تبعیضات و ستم های مختلف تحمیل شده به مردم و بی عدالتی و نابرابری بوده است. بهمین خاطر ما از وخیمتر شدن وضعیت مردم ناراحت و نگرانیم.

در عین حال نظر به تجربیات ۴۳ سال گذشته ما، شرط خلاصی از این دور تسلسل باطل را ادامه و گسترش مبارزات خود کارگران و مزدبگیران و دیگر محرومین و بی چیز شدگان می دانیم. مبارزات و اعتراضات سال گذشته کارگران و سایر مزد بگیران از معلم و پرستار تا بازنشستگان و مستمری بگیران در ۴۳ گذشته از لحاظ تعداد بی سابقه بود با این وصف دست آورده های آنها نسبت هزاران اعتراض و اعتصاب که انجام دادند کمتر از حد انتظار بود.

دلایل رضایت آمیز نبودن نتایج اعتراضات نیز برای همه فعالان و مبارزان و تشکلهای مستقل روشن است. پراکندگی اعتراضات به رغم تلاشهایی که برای غلبه بر آن انجام گرفت، ضعف سازمانیابی و نبود تشکل، سرکوب شدید و بالا بردن هزینه های فعالیت های صنفی، وجود بیکاری انبوه و سیاستهای ضد کارگری حکومت برای مقررات زدایی و بی حقوق سازی نیروی کار.

امسال نیز حکومت و همه جریاناتی در داخل و خارج از حکومت که نفعی در سیاست بی حقوق سازی و سرکوب طبقه کارگر دارند، به رغم تمام اختلافات شان مصمم به ادامه سیاستهای تانکونی خود دارند و اگر از دست شان برآید از هیچ کوششی در این مسیر فرو گذار نخواهند کرد.



آنچه که در سال گذشته حرکت دولت یکدست و متحدین آنان برای بی حقوق سازی و خلع سلاح کردن کارگران و عموم مزدبگیران را کند کرد و در جاهایی به عقب نشینی واداشت، وجود هزاران اعتصاب و اعتراض در کشور بود. بدون اعتصابات طولانی در هفت تپه لغو خصوصی سازی در تصور مقامات دولتی نمی گنجید. بدون اعتصاب ده‌ها شرکت پیمانی و پروژه‌ای در صنعت نفت بهبود نسبی در دستمزدها و شرایط کاری و بهداشتی کارگران و اجرای طبقه بندی در آنها میسر نمی شد. ده‌ها نمونه دیگر از موفقیت‌های نسبی کارگران و مزدبگیران را می توان ذکر کرد که هر کدام شان به نوبه خود دست آورد هایی برای کارگران در بر داشتند. در عین حال نباید از نظر دور داشت که تعدادی از اعتصابات و اعتراضات نیز به خواسته های شان نرسیدند.

یقین بدانیم که دست آوردهای کارگران پیمانی و پروژه‌ای اگر مجهز به تشکیلات بود بسیار بیشتر از آن چیزی بود که به دست آوردند. همین مشکل را می توان به همه اعتصابات که در واحدهای دیگر صنعتی و خدماتی نتوانستند به خواسته ها و یا همه خواسته هایشان برسند تعمیم داد.

همچنین دیدیم که در هر کجا که سازماندهی اعتراضات منسجمتر و دینامیکتر بود نتایج شان هم بهتر بود.

ن باید از نظر دورداشت که اگر دست آوردهای اقتصادی و صنفی محدود بود، اما سال گذشته گام های قابل توجهی در جهت متشکل کردن گروه های مزد بگیر و ایجاد هماهنگی در اعتراضات در رشته هایی همچون، ابنیه فنی راه آهن، سیمبانان، مخابرات روستایی، واحدهای خودروسازی، صنعت معدن در منطقه کرمان و البرز مرکزی... به جلو برداشته شد که حاکی از درک کارگران نسبت به ضرورت سازمانیابی و اعتصابات جمعی است.

سازمانیابی و مبارزه سازمان یافته به هر حال در سال گذشته رشد بی سابقه‌ای کرد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان توانست شعب خود را در بیش از ۱۵۰ شهر بوجود آورد و ظرف یک سال به یک تشکل سازمانیافته نیرومند و راهبر در میان فرهنگیان تبدیل شود. سازماندهی ۱۱ اعتصاب و تجمع در ۱۵۰ تا ۲۰۰ شهر و منطقه نه تنها خود دست آورد بزرگی برای جنبش معلمان است بلکه برای جنبش کارگری و جنبش مدنی محسوب می شود.

تشکیل ده‌ها تشکل بازنشستگان در بستر مبارزات سالهای اخیر بازنشستگان در سال گذشته نیز به نوبه خود از پدیده های نادر زمانه است.

با وجود هزاران اعتراض جانانه تنها در یک سال گذشته اکثر کارگران و مزد و حقوق بگیران در زیر خط فقر زندگی می کنند، فاقد امنیت شغلی و اجتماعی هستند و از حقوق سندیکایی خود بکلی محروم و مبارزات آنان عمدتاً تدافعی هستند. این وضع می تواند تنها توسط خود کارگران دگرگون گردد. ایجاد هماهنگی میان خواسته‌ها، سازماندهی همزمان اعتراضات و اعتصابات، تحکیم و تقویت همبستگی میان طیف های جنبش مزدبگیران و سازماندهی تشکلهای سندیکایی مستقل و گسترش اعتصابات و تلاش برای جلب حمایت و همراهی جنبش های مردمی از مبارزات ، می تواند وضعیت موجود را زیر و رو کند.

متحدانه برای آزادی کارگران، معلمان و زندانیان مدنی و سیاسی مبارزه کنیم!

متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمت‌ها مبارزه کنیم!

گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



اعتراض در سه پایانه نفتی

کارگران پیمانی شاغل در پایانه های نفتی خارک، عسلویه و ماهشهر، در اعتراض به اعمال تبعیض آمیز شرکت نفت میان کارگران رسمی و پیمانی و محروم کردن کارگران پیمانی از بخشی از حقوق شان تجمع کردند.

به نوشته ایلنا کارگران گفته اند علاوه بر پرداخت نکردن حق ویژه مناطق جنگی در دو سال گذشته و تمدید نشدن بیمه تکمیلی خود نسبت به ندادن، البسه استراحت شامل پتو، ملحفه و بالشت نیز اعتراض دارند.

ایلنا در بخشی از گزارش خود نوشت: "تاریخ اتمام بیمه تکمیلی این کارگران ۱ بهمن ۱۴۰۰ بود. در ضمن به گفته ی کارگران در قرارداد قبلی بیمه تکمیلی خیلی از فاکتورهای که هزینه های پرداختی را اثبات می کنند، تسویه نشده اند و از این محل مطالبات زیادی به وجود آمده است.

پرداخت نشدن بکپی مالیات موضوع حقوق و دستمزد، دیگر موردی است که موجب ایجاد تفاوت میان کارگران رسمی، پیمانی و قراردادی با پیمانکاری ها شده است.

بر اساس بخشنامه دولت، برخی آیتم های حقوق و دستمزد از مالیات معاف هستند که با این حال، بکپی آنها تنها به نیروهای غیرکارگری پرداخت شده است".

تجمع اعتراضی در پتروشیمی ایلام

به نوشته کانال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت کارگران روزمزد یکی از پیمانکاری ها در پتروشیمی ایلام در ۱۴ فروردین در اعتراض به خلف وعده کارفرما در پرداخت عیدی، مزایا و سنوات شان تجمع کردند و خواستار رفع تبعیض و پرداخت مطالبات پرداخت نشده خود شدند. کارفرما عیدی و مزایای



کارگران دیگر را پرداخت ولی تا هنگام انتشار خبر این تجمع از پرداخت آن به کارگران روز مزد امتناع کرده است. به نظر می رسد مقصود کارفرما از دادن حقوق به یک عده و ندادن به عده دیگر انداختن تفرقه و ندادن حقوق این عده از کارگران بوده است.

از سرگیری اعتراض سراسری بازنشستگان مخابرات در سال جدید

تعدادی از بازنشستگان مخابرات به نوشته ایلنا در ۱۶ فروردین دوباره با برگزاری تجمع های اعتراضی در مراکز چند استان نسبت به عملیاتی نشدن آئین نامه های سال ۸۹، تاخیر در پرداخت هزینه های درمانی توسط بیمه ی طرف قرارداد مخابرات و تاخیر در پرداخت جیره ی غیر نقدی تجمع کردند. گفتنی است که بازنشستگان در هفته پایانی اسفند گذشته نیز بهمین خاطر در چندین شهر بطور همزمان تجمع اعتراضی کرده بودند. شرکت کنندگان در جریان برگزاری اعتراض شان خواستار پرداخت مطالبات خود شدند. گزارشی در مورد علت ندادن مطالبات بازنشستگان منتشر نشده. یعنی روسای شرکت پر سود مخابرات حتا زحمت دادن یک توضیح کوتاه در این مورد را به خود نداده اند.

اعتصاب کارگران سایپا در آذربایجان

در ۱۴ فروردین کارگران کارخانه سایپا در آذربایجان به منظور نشان دادن مخالفت و اعتراض خود نسبت به فروش کارخانه اعتصاب و خواستار لغو این تصمیم توسط دولت شدند. نگرانی کارگران آن است که بعد از واگذاری کارخانه حق و حقوق و سوابق کاری شان توسط خریدار پایمال شود و امنیت شغلی شان از بین برده شود یا کارخانه به سرنوشت بسیاری از کارخانه های واگذار شده سر انجام اش به تعطیلی بکشد.

تجمع اعتراضی کارگران کشت و صنعت لرستان

روز ۱۶ فروردین کارگران کشت و صنعت لرستان در اعتراض به تصمیم خودسرانه کارفرما برای تغییر قراردادهای کاری و تعدیل حق و حقوق شان تجمع کردند. به گفته کارگران کارفرما تمديد قراردادهای کارگران را منوط به موافقت کارگران با تغییرات در قرارداد هایشان کرده است.

کارگران این قرار داد را که کار پیمانی و حجمی و برون سپاری بخشی از کارهای شرکت را مد نظر قرار می دهد خلاف قوانین بالادستی می دانند و با آن مخالف اند.

در واقع این ترفند تازه ای است برای امتناع از پرداخت افزایش دستمزد مصوب شورای عالی کار و جبران آن از طریق تغییر قراردادهای کارفرما گفته است هرکس قرارداد جدید را قبول نکند، باید استعفا کند.

یعنی در واقع جناب کارفرما قوانین موجود را هم حاضر نیست اجرا کند و قوانین خودش را می خواهد جاری کند! در این میان صدایی هم از نهادهای مجری قانون مثل اداره کار که نظارت بر اجرای قانون را به عهده دارد در نمی آید. گویی همچین نهادی وجود خارجی ندارد.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری رشت

کارگران شهرداری رشت در ۱۶ فروردین در اعتراض به کسر شدن عیدی و حقوق شان و خودداری از تبدیل وضعیت استخدامی شان تجمع و خواستار پرداخت آن مانند گذشته و تبدیل وضعیت استخدامی خود شدند. به گفته معترضین دیوان عدالت اداری با شکایت یک شاکی خصوصی بخشی از مزایای شغلی آنان را که بعنوان حق وصول و تلاش به آنان پرداخت می شده در ۵ اسفند سال گذشته لغو کرده است. در اثر این تصمیم دیوان عدالت اداری گفته می شود ۳ میلیون از حقوق کارگران کم شده است. گفتنی است که دیوان به اصطلاح عدالت اداری به مرجع دیگری برای از بین بردن حقوق کارگران تبدیل شده و تا کنون چندین حکم علیه حقوق کارگران صادر کرده است.

کارفرمایان که رابطه خوبی با این نهاد حکومتی دارند، هر جا که کارشان برای از بین بردن حقوق کارگران با دشواری حقوقی مواجه می شود به این نهاد مراجعه می کنند و مراد خود را از آن می گیرند.



اخراج کارگر شهرداری بخاطر در خواست پنج ماه حقوق

یکی از کارگران معترض شهرداری یاسوج که در تجمع اعتراضی کارگران شهرداری این شهر به دلیل پرداخت نکردن حقوق طی پنج ماه گذشته شرکت کرده بود، توسط شهردار شهر از کار اخراج شد. تعداد اخراجی ها در ابتدا بیشتر از یک نفر بود اما همه را به سر کار بازگرداندند به استثنای یکی از کارگران. پرداخت نکردن حقوق طبق قانون کار جرم تلقی می شود، اما خودسری و قانون شکنی مدیران دولتی حد و مرزی نمی شناسد تا جایی که کارگر را به صرف درخواست حقوق قانونی اش از کار اخراج می کند و البته خیال اش هم راحت است که کسی جناب شهردار آتش به اختیار در حق کشی و ستمگری را باز خواست نخواهد کرد.

محاکمه رسول بدای و حمید قندی در بیدادگاه حکومتی

دادگاه رسیدگی به اتهامات رسول بدای و حمید قندی در ۱۵ فروردین در شعبه ۲۶ بیدادگاه حکومتی با اتهامات واهی و مندرس و تکراری بدون حضور نماینده دادستان و حضور وکیل معلمان انجام شد. قاضی قلچماق از همان دقایق اول دستور بازداشت مسعود فرهیخته وکیل مدافع آنان را صادر کرد و تا پایان جلسه وی را در بازداشت نگه داشت. اتهامات رسول بدای از رهبران کانون معلمان اسلامشهر عبارت بود از اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور، تبلیغ علیه نظام و برهم زدن نظم عمومی.

کیفر خواست به جای خوانده شدن توسط نماینده دادستان، توسط قاضی قرائت شد که با اعتراض بدای مواجه شد و بدای به قاضی تذکر داد که قاضی نباید هم نقش دادستان و هم قاضی را در دادگاه ایفا کند که این خلاف قانون است. این اعتراض از طرف قاضی رد شد!

در هنگام برگزاری بیدادگاه حکومتی تعدادی از معلمان که برای اعتراض به این محاکمه فرمایشی و ابراز همبستگی با همکاران تحت محاکمه شان از شهرهای تهران، کرج، هرسین، اسلام آباد آمده بودند خارج از ساختمان بیدادگاه تجمع کرده بودند.

همچنین در ۱۶ فروردین ژاله روحزاد معلم بازنشسته و یکی دیگر از فعال صنفی فرهنگیان در همین بیدادگاه موسوم به ۲۶ انقلاب و توسط همان قاضی قلچماق پرونده بدای بنام افشاری محاکمه شد. گفتنی است که اسماعیل گرامی همسر خانم ژاله روحزاد است که ایشان هم از یک سال پیش بواسطه فعالیت صنفی و شرکت در اعتراضات بازنشستگان در زندان بسر می برد. وکیل خانم فرحزادی در بیدادگاه ضد انقلاب حاکم آقای حسین تاج بود.

ما نیز از طرف جنگ کارگری این محاکمات فرمایشی را قویا محکوم و ضمن اعلام همبستگی با معلمان و فرهنگیان حق طلب و حق گو همه آزادگان و عدالت خواهان را به تلاش مشترک برای آزادی همه عزیزان زندانی بیگناه دعوت می کنیم.

اعتراض کارگران شهرداری اندیمشک به پرداخت نشدن مطالبات مزدی و رد نکردن حق بیمه شان.

کارگران همچنین نسبت به استخدام های فامیلی در شرایطی که شهرداری ۶ ماه است حقوق و حق بیمه ۷۰۰ کارگر را پرداخت نکرده معترض اند و می گویند بجای نیروی کار تازه اول حقوق کارگران موجود را بدهید!

کارگران آمازون در امریکا صاحب اولین اتحادیه خود شدند

کارگران شرکت آمازون پس از یک مبارزه سخت و طولانی برای تشکیل اتحادیه در این شرکت غول پیکر با گذشتن از سد تمام موانعی که برای جلوگیری از تشکیل اتحادیه بر سر راهشان قرار داده بودند، موفق شدند همه موانع را از سر راه خود بردارند و نخستین اتحادیه خود را در آمازون تشکیل دهند. بعد از این کامیابی کارگران ولوو در امریکا نیز با الهام از موفقیت کارگران آموزن فعالیت برای تشکیل اتحادیه در این

کنسرن بزرگ را تشدید کردند. اما اثرات الهام بخش موفقیت کارگران آموزن روی کارگران امریکا فراتر از کارگران ولوو رفت. بطوریکه متعاقب پیروزی کارگران آمازون اعتراضات کارگری در تعدادی از موسسات این کشور که دولتمردان و سرمایه داران آن یدی طولانی در اتحادیه ستیزی دارند، آنچنان گسترش پیدا کرد که برخی رسانه های بزرگ امریکا همچون نیویورک تایمز نیز نتوانستند بر آن چشم فرو بندند.

بزرگترین واحد خودروسازی ایران بزودی به بخش خصوصی یا در واقع به خودی ها واگذار خواهد شد!

ابراهیم رئیسی پس از بازدید چند هفته پیش اش از ایران خودرو طی مصاحبه ای که با وی انجام شد گفت: ایران خودرو ظرف دو سه ماه آینده به بخش خصوصی واگذار خواهد شد (نقل به معنی). گفتنی است که وی قبل از گفتن این حرف چند فرمان هم در مورد افزایش تولید و ساخت ۳ مدل جدید خودرو را صادر کرده بود. اگر قرار است کارخانه به بخش خصوصی واگذار شود معلوم نیست که افزایش تولید و تولید معدل های جدید، آنهم زود، تند، سریع چه ربطی به دولت دارد!

در عین حال باید منتظر ماند و دید این مفتخر خوشبخت چه کس و کسانی هستند که پول برای خرید بزرگترین کارخانه خودروسازی کشور را دارند.

تصویری از اعتصاب ۲۰۰ میلیونی کارگران و کشاورزان هند علیه سیاستهای تعدیلی دولت دست راستی هند





اعتراض کارکنان غیر رسمی بخش بهداشت و درمان (مدافعان سلامت) علیه قراردادهای اسارت‌بار موقت در چنداستان



خواسته اصلی تظاهر کنندگان استخدام مستقیم و رسمی شدن است



تجمع کارگران «کیان تایر» مقابل نهاد ریاست جمهوری/ کارخانه را به دولت برگردانید تا تولید رونق بگیرد

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>